

نقش رجال راوندی در کاشان عصر سلاجقه

سید امیر الیاس موسوی

کارشناسی ارشد تاریخ تشیع، دانشگاه پیام نور کاشان، ایران (نویسنده مسئول)

Msv_elyas1992@yahoo.com

سید محمد موسوی

دانشجوی دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، ایران

Seyyedmosavi1375@gmail.com

محمود صادقی علوی

استادیار گروه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۴ - صفحه ۳۸۷-۳۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۴

چکیده:

این پژوهش از رهگذر روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اثرات خاندان راوندی در رونق اقتصادی، توسعه فرهنگی و رشد تشیع منطقه کاشان در دوره سلاجقه پرداخته است. در این نوشتار مشخص شد؛ خاندان راوندی با برقراری روابط مستحکم با دستگاه حکومتی سلجوقیان توسعه اقتصادی، فرهنگی و عمرانی منطقه کاشان را رقم زدند. ایشان در عرصه فرهنگ، در راستای روایت میراث حدیثی، شرح و تصحیح روایات ائمه اطهار علیهم السلام، گسترش عقاید امامیه و ادبیات اقدامات شگرفی انجام دادند. افزون بر این در عرصه اقدامات عمرانی و اجتماعی رجال راوندی بایسته های تحول در منطقه کاشان را فراهم آوردند. خاندان راوندی با ساخت مدارس علمیه به نام های مدرسه صفویه، مدرسه خان، مدرسه علی بن فضل الله، مدرسه مجدیه و مدرسه علی بن فضل الله توانستند نقش اساسی در رشد علمی و فرهنگی کاشان ایفا نمایند.

واژگان کلیدی: سلجوقیان، کاشان، راوند، قطب الدین راوندی، سید ابوالرضا راوندی، سید فضل الله راوندی

مقدمه:

ایران در طول زمان سراغاز تحولات مهم در سرزمین های کهن و حلقه میانی تمدن های بشری در منطقه بین النهرین به حساب می آمده است. نقش تاریخی ایرانیان بر مناطق و ممالک دیگر امری انکار ناپذیر است (نک: حسن طلایی، ص ۵). تعامل فرهنگی ایرانیان میان ملل گوناگون و تبادل ارزشهای قومی با دیگر اقوام جزو نقش های کلیدی ایرانیان بر فرهنگ خاورمیانه بوده است. نقش قوم آریایی پیش و پس از اسلام و آثار مثبت آن بر سایر ملل امری مسلم است زیرا ایرانیان قوم متمدن و فرهیخته ای بودند که از میان سایر ملت ها به مقام و موقعیتی دست یافته و با تدابیر خویش آثار فرهنگی و تاریخی به یادگار گذاشتند. یکی از این ساحتها، اقدامات فرهنگی و اجتماعی است. اثرگذاری ایرانیان بر سرزمین پارس و سایر اقوام از دیرباز مرهون حضور انسان های اندیشور در حوزه علم و عمل بوده و قوم پارس با بکارگیری انسان های مدیر و مدبر در ساحت های گوناگون توانست شکوفایی فرهنگی، تاریخی برای آیندگان به جای گذارد (سینایی، ۶۱۹-۶۲۷).

از طرفی دیگر دودمان سلجوق (سلاجقه، آل سلجوق)، یک دودمان غز سنی بودند که در سده های ۵ و ۶ هجری قمری، بر بخش های پهناوری از آسیای غربی صغیر مانند ایران، افغان ستان، روم، شام و ارمنستان امروزی، سرزمین های عرب، ترک و دیگر نقاط فرمان می رنلند و پادشاهی سلجوقیان بزرگ که پایگاه آن ها خراسان و تا ۵۵۲ هجری برقرار بود (نک: فروزانی، بی تا، ۱۴-۱۳؛ ستار زاده، ۱۱-۷).

دوران پرفراز و نشیب سلجوقیان در ابعاد مختلف قابل مطالعه است به ویژه خدماتی که حکومت سلجوقیان بر رشد عالمان دینی در این مرز و بوم گذاشت و موجب شد تا بزرگان امامیه بتوانند با آزادی نسبی که در این دوران در اختیار داشتند به نشر معارف ثقلین بپردازند. خاندان های مختلفی از بزرگان امامیه در اطراف و اکناف ایران زمین، به اقامه امور دینی پرداختند. از میان خاندان های مشهور در این عصر می توان به **خاندان راوندی** اشاره کرد. در سایه حکومت سلجوقیان اندیشمندانی همچون **خاندان راوندی** در منطقه **کاشان** به فعالیت های علمی و فرهنگی خود پرداختند.

بررسی اثرگذاری خاندان راوندی و اندی شمندان برخاسته از این خاندان بر ممالک اسلامی از جمله تحقیقات نوین و بکر به حساب می‌آید. این پژوهش مورخان را با چگونگی شکل‌گیری معارف ناب شیعی در منطقه کاشان آشنا نموده و راوندیان را به مثابه یک خاندان موثر و با نفوذ در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی معرفی خواهد کرد. تأثیر ویژه آنان بر منطقه کاشان به عنوان می‌تواند خدمات این خاندان را بیش از پیش روشن نماید و بر این مطلب تأکید خواهد شد این خانواده اثری شگرف بر جریان فرهنگی و اجتماعی و عمرانی منطقه کاشان گذاشتند.

برای اطلاع از پیشینه این پژوهش می‌توان به تحقیقات متعددی از جمله آثار پیش رو اشاره کرد:

۱. "بررسی نهاد وزارت در دوره سلجوقیان پس از وزارت خواجه نظام الملک" نوشته مرضیه رحیمی نژاد در دانشگاه سیستان و بلوچستان (۱۳۹۳). در این جستار سعی شده است که دستگاه وزارت و تشکیلات دیوان سالاری حکومت سلجوقیان مورد بررسی قرار گیرد. در این جستار مشخص شده است که دوره ملک‌شاه و خواجه نظام الملک وزارت دارای قدرت و کارایی فراوان بود اما پس از مرگ ملک‌شاه و خواجه نظام الملک عواملی چند سبب تضعیف نهاد وزارت شد. عملاً جنگ و درگیری برای تصاحب منصب وزارت موجب شد جایگاه وزارت، سازمان اداری و نقش وزیر به پایین‌ترین سطح ممکن یلبد؛ همچنین عامل نفوذ و دخالت امیران نظامی در تشکیلات دیوانی در این هرج و مرج بی‌تأثیر نبوده است.

۲. "صفهان در عصر سلجوقیان" نوشته علی مظاهری در پژوهش‌های شکرده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۸۰). از تحقیقات موجود برای ترسیم اوضاع فرهنگی، سیاسی، اجتماعی عهد سلجوقیان می‌باشد و نگارنده این نوشتار برآنست تا زمینه‌های انتخاب صفهان به پایتختی دولت سلجوقیان را بررسی کند. از اینرو به سابقه تاریخی صفهان و پیدایش آن پرداخته، آنگاه به تحولات سیاسی-اجتماعی دولت سلجوقی با تکیه بر شهر صفهان نگاهی داشته است و وضعیت اقتصادی این شهر را نیز مورد بررسی قرار داده است.

۳. "منا سبات سلجوقیان با خلافت عبا سی" نوشته علی اکبر داورزنی در دانشگاه تربیت معلم (۱۳۹۲). این تحقیق تحولات سیاسی و اجتماعی در آغاز قرن پنجم هجری منجر به ظهور ترکمنان غز در ایران را به تصویر می کشد. در این تحقیق مشخص گردیده است که ضعف غزنویان در شرق، موجب قدرت یابی سلجوقیان به سرکردگی طغرل می گردد. آنها به صورت نیروهای پر توان حامی خلافت عبا سی ظاهر شدند. و خلافت رو به زوال عبا سی را از زیر فشار آل بویه بیرون آوردند. منا سبات بین سلجوقیان و خلافت عبا سی، منازعه ای طولانی و فرسایشی بود که از همان عصر طغرل شروع شد در زمان الب ارسلان و ملکشاه با کفایت خواجه نظام الملک روند عادی خود را می پیمود در زمان جانشینان ملکشاه درگیری خانوادگی بین جانشینان ملک شاه تا حدودی باعث بی توجهی آنها به دستگاه خلافت شد و در زمان سلجوقیان عراق به نهایت روابط خصمانه تبدیل شد.

۴. "بررسی اقتصادی ایران در دوره سلجوقیان" نوشته میترا پیرقمی در دانشگاه خوارزمی (۱۳۹۴). شرایط اقتصادی ایران در این دوران اوج بالندگی خود را طی می کند به طوری که دوره سلجوقیان یکی از ادوار تاثیرگذار و مهم در تاریخ و فرهنگ ایران محسوب می شود، زیرا شکل گیری بنیان های اقتصادی جوامع امروزی و اندیشه اقتصادی انسان ایرانی امروزه به این تجربه اساسی و بنیادی در تاریخ اجتماعی ایران باز می گردد. در حکومت سلجوقیان مهم ترین منبع درآمد دولت کشاورزی بود. سرمایه تجاری در پیوند با مازاد اقتصادی بخش کشاورزی و پیشه وری و کوچرویی جامعه کارکردهایی در جهت مشارکت حکومت و نخبگان شهری در عرضه عملیات تجاری بروز می داد. شکوفایی تجارت بین المللی و افزایش درآمدهای حکومت از محل گمرکات به واسطه صدور کالا، شواهد رونق اقتصادی و تجاری در این دوره هستند.

۵. "مذهب و سیاست های مذهبی در دوره سلجوقیان" نوشته شنو مظفری در دانشگاه زنجان (۱۳۹۶). در این تحقیق آمده است این دوره که به مذهب سنت بودند را می توان عصر ترویج علوم دینی و اقتدار علمی-مذهبی و همچنین عصر تعصب فرقه ای و کشاکی های

مذهبی نامید. سلجوقیان نسبت به حکومت پیشین سیاست‌های مذهبی متفاوتی را از خود نشان دادند، این حکومت وسعت بسیاری داشت که مملو از مذهب‌های مختلف با گرایش‌های متفاوت بود و با توجه به فضای باز سیاسی حاکم یک‌شور و نشاط خاصی را ایجاد کرده بود، در سایه‌ی تسامح نسبی سلجوقیان، این جریان‌ها عملکرد روبه‌رشدی داشتند. سلجوقیان نسبت به شیعیان سیاست‌های متفاوتی را اعمال کردند به این صورت که نسبت به اسماعیلیه به دلایل سیاسی اعمال خشونت می‌کردند ولی نسبت به شیعیان امامیه سیاست ملایم‌تری را در پیش گرفتند که توانستند به مقام‌های بالای اداری و دیوانی دست یابند.

۶. "امامیه در عصر سلجوقیان (۵۸۹-۴۲۹ق.)" نوشته محمدحسین منظور الاجداد در دانشگاه تربیت مدرس (۱۳۸۱). درباره محتوای این تحقیق می‌توان گفت در پی سیطره یافتن سلجوقیان بر ایران و عراق و به سبب علاقه آنان به حمایت از تسنن، شیعیان دوازده امامی که امامیه خوانده می‌شدند، با سختگیری فرمانروایان جدید روبرو شدند. سلجوقیان آنان را از مناصب اداری راندند، پیشوای دینی آنان، شیخ طوسی -مجبور به فرار از بغداد گردید و در پی سرکوب شورش بساسیری، شیعیان ساکن در محله کرخ، مورد حمله سنیان قرار گرفتند. اما این وضع پایدار نماند و در طی سلطنت سلجوقیان، شیعیان امامی مذهب توانستند متصدی مناصب اداری گردند، به وزارت برسند و در عرصه اجتماعی از قدرت و نفوذ بسیار برخوردار گردند.

۷. "بررسی ویژگی‌های حوزه حدیثی امامیه کاشان تا پایان قرن ششم هجری" نوشته محمد سلامی راوندی در دانشگاه کاشان (۱۳۹۶). در این پژوهش به حوزه حدیثی کاشان از زمان شکل‌گیری و همچنین رشد و نمو آن تا قرن ششم - زمان اوج شکوفایی این حوزه - پردازد. عالمانی در این حوزه بالیدند که نه تنها بر این منطقه بلکه بر سایر حوزه‌های حدیثی تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه به قطب راوندی می‌توان اشاره کرد که مکتوبات متعدد وی در دانش‌های گونه‌گون از جمله قرآن، تفسیر، فقه، حدیث، تاریخ و ... بیانگر گستردگی احاطه‌اش بر علوم و جامع‌الاطراف بودن شخصیت وی است. تأمل در اسناد روایی کتب قطب راوندی، بیانگر

مسافرت‌های وی برای کسب علوم به شهرهایی مانند اصفهان، همدان، خراسان و ... می‌باشد. همچنین پیشگامی سید ابوالرضا راوندی در شرح نهج البلاغه، بیانگر ریشه‌های عمیق تشیع در این سامان است.

باعنایت به آثار مزبور، پژوهش پیرامون نقش خاندان راوندی بر منطقه کا شان و توجه به خدمات فرهنگی و عمرانی آنان بر مردم منطقه کا شان، م سبق به سابقه نبوده و از رهگذر این تحقیق میتوان به علل گسترش و تعمیق فرهنگ تشیع بوا سطر تلاش های این خاندان، به مطالب نوینی دست پیدا کرد. ضمناً خدمات ایشان به زبان و حوزه فقه و عمران و آبادانی منطقه کاشان و گسترش فنون و دانش‌ها بر این شهر نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱- جغرافیای تاریخی کاشان و راوند

راوند، از آبادی‌های قدیم شهرستان کاشان، در استان اصفهان است.

یاقوت حموی (ذیل ماده)، به نقل از حمزه اصفهانی، راوند را در اصل «راهاوند» به معنای خیر مضاعف دانسته است. در منابع قدیم، راوند قریه‌ای تابع کاشان یا اصفهان ذکر شده است (برای نمونه قمی، ص ۲۰۸؛ یاقوت حموی، همانجا). سکه‌های طلای به دست آمده از قلعه مورچان/ مورچه در نزدیکی راوند (ضرابی، ص ۱۱۹-۱۲۰)، که امروزه فقط قسمتی از دیوار آن باقی مانده، نشان‌دهنده قدمت سکونت در محدوده راوند در پیش از اسلام است و باوجود اشتهار عالمان مذسوب به راوند، در متون جغرافیایی قدیم، نام این آبادی کمتر آمده است و غالباً نسب نامه‌نویسان و شرح‌حال‌نگاران از راوند نام برده‌اند. (برای نمونه ابونعیم اصفهانی، ج ۱، ص ۳۰۱؛ سمعانی، ج ۳، ص ۳۱-۳۲؛ سیوطی، ج ۱، ص ۳۴۳).

در ذکر مهاجرت فرزندان امام علی و امام حسن علیهم‌السلام از شهرهای مختلف به راوند یا از آن نقطه به دیگر شهرها از این شهر نام برده است (نیز قمی، همانجا). حمله میاجق، از امرای خوارزمشاه، در ۵۷۴ به راوند و غارت آنجا (راوندی، ص ۳۹۳-۳۹۴) و نیز نبرد مردم راوند با اللهیارخان افغان در ۱۱۶۱ و شکست او (ضرابی، ص ۲۱۲). از مهم‌ترین حوادث تاریخی راوند به شمار می‌روند. (منبع) در دوره ناصرالدین شاه (حک: ۱۲۶۴-۱۳۱۳)، راوند از قرای مشهور اصفهان و آب مصرفی آنجا از پنج رشته قنات تأمین می‌شد که مهم‌ترین آن

نابّر بود. باغ‌های بسیار به ویژه انار و توت، برای تولید ابریشم، داشت و از محصولات زراعی آنجا گندم، جو و خربزه بود (اعتمادالسلطنه، ج ۴، ص ۲۱۰۹؛ ضرابی، ص ۸۲؛ کتابچه حالات و کیفیت بلده و... کاشان، ص ۲۸۵-۲۸۶؛ نیز فرخیار، ص ۲۵). (۱۰ و ۱۱ ته جمله و چک شود)

از بناهای تاریخی راوند می توان به بقعه امامزاده سلطان ولی بن موسی بن جعفر علیه السلام در بافت قدیم راوند اشاره کرد، که دارای ایوانی آئینه کاری و دری مشبک با تاریخ ۱۰۷۸ است و پیش از آن نیز گنبد مخروطی دوازده ترک با کاشی کاری فیروزه ای داشت که امروزه کاملاً بازسازی شده است؛ مسجد پاچنار، از دوره قاجار که دارای دو شبستان تحتانی و فوقانی است و صحن و حیاط ندارد و در ۲ اردیبهشت ۱۳۸۷ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است؛ خانه نیمه ویران منصوری‌ها، از دوره قاجار که در سه طبقه و به مساحت هزار مترمربع ساخته شده و دارای اتاق‌هایی با گچ‌بری و مقرنس کاری است؛ و چند آب‌انبار از جمله آب‌انبار پاچنار، از دوره قاجار (شاطری، ص ۸۶-۸۷؛ شریف، ص ۱۲؛ فرخیار، ص ۱۸۱-۱۸۲؛ یزدانمهر، ۱۳۹۱ش؛ جلیلود، ۱۳۹۱ش).

با این همه، امروزه راوند دارای دهیاری است و روستا شناخته می شود و در منابع جغرافیایی و تاریخی، «راوند» نام سه محل دانسته شده است:

۱- محلی در راه قم و نزدیک کاشان؛

۲- محلی در نیشابور؛

۳- محلی در موصل عراق. (معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۸۴ (ذیل راوند)).

آنچه بیشتر به عنوان «راوند» معرفی شده و مشهور بوده همان راوند کاشان است. قراین دلالت دارند بر اینکه قطب الدین راوندی و ابوالرضا راوندی اهل راوند مشهور بوده‌اند. از جمله این قراین، مدفن قطب الدین راوندی در شهر قم و ابوالرضا راوندی در کاشان است. ملاقات سمعانی با ابوالرضا راوندی در کاشان و اشعار وی در دیوانش به خوبی نشانگر سکونت وی در این منطقه هستند. بنابراین، سخن افندی، که بی دلیل و برخلاف مشهور،

احتمال داده است قطب الدین راوندی از راوند نیشابور باشد، (ریاض العلماء، ج ۲، ص ۴۲۰). نادر ست است. (اتحاد تعدادی از استادان قطب الدین راوندی با ابو الرضا راوندی، همچنین وجود مزار قطب الدین راوندی در قم و نزدیک کاشان، احتمال سکونت وی در راوند نیشابور را رد می‌کند. علاوه بر این، درباره موطن قطب الدین راوندی، چنین ادعایی بی‌سابقه است.) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد محلی که در نزدیکی نیشابور به عنوان «راوند» شناخته می‌شود، «ریوند» است که در موارد زیادی آنجا و مشاهیر آن را با راوند کاشان آمیخته‌اند. از این دست، احمد بن یحیی ریوندی از رجال قرن سوم است که به گونه‌ای نادر ست «ابن راوندی» شهرت یافته است: (کتاب تاریخ اجتماعی کاشان (ص ۵۱) با اشاره به تردید برخی در محل زاد و بوم احمد، او را از راوند کاشان دانسته و معتقد است: در تمام دوره اسلامی، هرجا نام «راوند» آمده، مراد همین راوند است. و صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۴۹)

۱-۱- ارتباط کاشان با قم و اصفهان

شهر کاشان در صدر اسلام نیز به همراه قم از توابع اصفهان (اصفهان ۴۴) بود. ارتباط مردم کاشان با اصفهان را می‌توان از روابط فرهنگی آنان استفاده کرد. تعبیر «کاشانی اصفهانی» یا عکس آن درباره تعدادی از محدثان و همچنین رفت و شد عالمان این دو منطقه با یکدیگر به خوبی مؤید روابط نزدیک آنها با یکدیگر است. درباره حضور عماد الدین کاتب اصفهانی در کاشان و حضور فرزند ابو الرضا راوندی در اصفهان نیز سخن گفته می‌شود.

از سوی دیگر، در اواخر قرن دوم، قم از اصفهان جدا شد (جدایی قم از اصفهان در زمان خلافت هارون الرشید (۱۷۰-۱۹۳) اتفاق افتاد. نک. تاریخ قم، ص ۲۴ و ۳۱). و از آن پس کاشان از توابع قم به شمار می‌رفت. بنابراین، طبیعی است که آن دو ارتباط بیشتری باهم پیدا کردند. اینکه جغرافی‌نویسان نام «قم» و «کاشان» را در کنار یکدیگر ذکر کرده و هریک را به وسیله دیگری تعریف می‌کنند، نشانه ارتباط تنگاتنگ آنها، بخصوص از نظر مذهبی است؛ زیرا غالباً از تشیع قم و کاشان در کنار هم یاد می‌شود. گویا حتی در دوره‌ای که این دو زیر نفوذ

اصفهان بوده‌اند، باهم روابط نزدیک داشته‌اند. (صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۲۰، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.).

تا این زمان، کاشان مهد تشیع و هنوز اصفهان سنی‌نشین بوده است. در کتب مربوط به اصفهان، از افراد زیادی به‌عنوان «کاشانی» یاد شده است که شهرتی ندارند؛ چنان‌که در کتب روایی و رجالی، با نام افراد زیادی مواجه می‌شویم که یا کاشانی ساکن اصفهان هستند یا بالعکس. (به اجمال، نک. ذکر اخبار اصفهان، ج ۱، ص ۱۹۴، شماره به ابراهیم بن عبد الله القاسانی؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۶۷؛ معجم المؤلفین، ج ۹، ص ۴۱ (ترجمه «ابو بکر محمد بن اسحاق» اهل کاشان به قرینه مذهب ظاهری‌اش که باید در اصفهان آن دوره رواج داشته باشد)؛ تاریخ الاسلام، ج ۴۱، ص ۱۵۹ (که از ابو نصر فرزند محمد بن ذاکر خرقی اصفهانی به‌عنوان «کاشانی» یاد می‌کند و افراد متعدد دیگری که با توجه به مشکل تشابه اسمی کاشان قم و کاشان ماوراءالنهر و همچنین کاشان و باشان. اظهار نظر قطعی درباره مسکن آنان مشکل است). بنابراین، با وجود ارتباط اصفهان و کاشان، تأثیر و تأثری از نظر مذهبی صورت نگرفته است.

دیگری مدرسه‌ای معروف در کاشان بوده که سید ابو الرضا راوندی ریاست آن را برعهده داشته و در آن تدریس و موعظه می‌کرده است. (صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۳۹).

۲- معرفی رجال مشهور راوندی

۲-۱- سید فضل الله راوندی

سید فضل الله راوندی که تاریخ وفات وی معلوم نیست، اما آنچه که سید علی خان در درجات الریفعة گفته است وی تا سال ۵۴۸ هجری قمری زنده بوده است. مدفن این عالم در کاشان است.

۲-۲- ابو الرضا راوندی

امام ضیاء الدین ابو الرضا فضل الله بن علی بن عبید الله حسنی در سال ۴۸۳ هـ متولد شد. (النوادر، ص ۱۸ (مقدمه) به نقل از: لمعة النور). افندی ن سب وی را با پانزده وا سطره به امام حسن مجتبی علیه السلام رسانده است. (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۶۴). مادرش فرزند حسین بن احمد ح سینی، از عالمان محدث و فقیه راوند بود. (منتجب للدين، ص ۵۲). از اینکه در خلندان و نیاکان وی عالمان دینی از دیلم و زیدیه به چ شم می‌خورند - مانند احمد بن عبید الله النا صر الکبیر و احمد النا صر ال صغیر و ح سن بن عبید الله الهادی بالله و ابو الهول داعی (نواد، ص ۴۳ (مقدمه). - و از اینکه ابو الرضا راوندی از نسل فرزندان امام ح سن مجتبی علیه السلام است، می‌توان احتمال داد که وی یا یکی از پدرانش از زیدیه به امامیه گرویده‌اند. اولین نفر از اجداد ابو الرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم او عبید الله، فقیه، محدث و شاعر بود. (لمعة النور، ص ۹، به نظر می‌رسد مرحوم مرعشی این مطلب را از کتاب المجدی (ص ۸۳) استفاده کرده باشد، هر چند در آنجا تصریحی به آمدن عبید الله به راوند نیست.)

ابو الرضا به مناطق زیادی مانند حجاز و عراق و مناطق شیعه‌نشین و حتی سنی‌نشین ایران سفر کرد تا حدیث بشنود. (النوادر، ص ۳۸ (مقدمه). و صادقی، ۱۳۸۶ هـ.ش، ص ۱۵۶).
عماد الدین کاتب اصفهانی (تاریخ) در کتاب خود بارها از ابو الرضا راوندی نام برده گفته «تالیفات او در علوم گوناگون و زیادی است، واعظی است که مردم او را قبول دارند»، «الشریف النسب، المنيف الادب، الکریم السلف، العالم الکامل، قبله القبول و عقله العقول، ذو الابهة و الجمال...» (خریده القصر، ص ۶۷). همچنین می‌نویسد:

در سال ۵۳۳، که به کاشان حمله شد، من و برادرم همراه پدرم در کاشان بودیم و در طول یک سال اقامت، به مدرسه «مجذیه» رفت و آمد داشتیم. زمانی که من می‌دیدم سید ابو الرضا در مدرسه مردم را موعظه می‌کرد و مردم به حضور او می‌رسیدند و بهره می‌بردند. (همان، ص ۶۷).

همچنین ابن شهر آشوب، که شاگرد و راوی ابو الرضا راوندی بود، می‌نویسد:

«احادیث کتب اصحاب ما به طریق افرادی همچون ابو الرضا به شیخ طوسی می‌رسد.»
(مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳).

ابو الرجاء قمی، نویسنده تاریخ سلجوقیان، می‌نویسد:

«امیر سید امام ضیاء الدین ابو الرضا، که جهان به فضل و علم او جنت عدن بود...» (تاریخ
الوزراء، ص ۵۳).

براساس گزارش عماد الدین کاتب اصفهانی، ابو الرضا راوندی در سال ۵۲۲ قمری، قریب
یک سال در اصفهان سکونت داشت. (خریده القصر، ص ۷۰).
برخی استادان و مشایخ ابو الرضا عبارت بودند از:

«امین الاسلام طبرسی، صاحب مجمع البیان؛ حسن فرزند شیخ طوسی؛ عبد الجبار طوسی،
از علمای کاشان و قاضی وقت آنجا و شاگرد شیخ طوسی؛ ابو البرکات محمد بن اسماعیل
مشهدی؛ و محمد بن علی بن محسن حلبی و ابن کمیح که از شیوخ قطب الدین راوندی هم
هستند.» (نک. النوادر، ص ۱۸ به بعد و مقایسه کنید با: الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۷۹۳ و
۷۹۶).

زمان وفات ابو الرضا روشن نیست و محدث ارموی سخن سید علیخان و آقابزرگ که
وفات او را به سال ۵۴۸ دانسته‌اند، نادرست می‌داند. (دیوان، ص ۲۷ (مقدمه)). تنها مطلبی که
می‌توان گفت این است که ابو الرضا تا پس از سال ۵۵۰ در حیات بوده است؛ زیرا عمادالدین
کاتب اصفهانی می‌نویسد: در سال ۵۴۹ به بغداد رفتم. در آن زمان، ابو الرضا و فرزندش احمد
زنده بودند. پس از چند سال شنیدم که احمد از دنیا رفت و، اکنون که سال ۵۶۲ است، نمی‌دانم
پدرش زنده است یا نه. (خریده القصر، ص ۷۶).

مدفن ابو الرضا در مرکز شهر کاشان و در نزدیکی بقعه «پنجه شاه» قرار دارد. به نظر
می‌رسد مدفن وی همان مدرسه یا منزل او باشد، بخصوص که نزدیک مسجد جامع شهر هم
هست. در گزارشی از مرقد این عالم - که مربوط به بیش از نیم قرن پیش است - می‌خوانیم:

از مجموع مطالبی که درباره سید ابو الرضا راوندی گفته‌اند، علاوه بر مقامات علمی و دینی و آثار متعددش، اشعار برجای مانده اوست. دیوان وی در حقیقت، تاریخ محلی شهر کاشان در محدوده قرن پنجم و ششم به شمار می‌رود که بسیاری از مطالب آن در کتب دیگر یافت نمی‌شود. (صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۶۰، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.).

یکی از معاصران وی، که شاگرد او هم بود، منتجب‌الدین صاحب کتاب فهرست است. او در کتابش، ذیل نام « ضیاء الدین ابو الرضا راوندی»، از او با واژه امام، علامه‌ی زمان و استاد دانشمندان عصر خود یاد می‌کند و می‌نویسد: علو نسب را با فضل و حسب آمیخته است. آن‌گاه هشت مورد از آثار او را بر شمرده است (فهرست منتجب‌الدین، ص ۹۶). که به آنها اشاره خواهد شد. آثار وی نشانگر آشنایی وی با علوم گوناگون اسلامی است.

سمعانی می‌نویسد:

«در کاشان گروهی از علما و اهل فضل را ملاقات کردم که از آن جمله سید فضل ابو الرضا فضل‌الله بن علی علوی حسنی کاشانی بود. احادیثی از او اخذ کرده و اشعاری از او نوشتم. وقتی بر در خانه‌اش منتظر او بودم، نگاهم به بالای در افتاد که با گج آیه *إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ...* (احزاب: ۳۳) را نوشته بود.» (الانساب، ج ۱۰، ص ۲۹۷ (ذیل القاسانی)).

راوندی به یک واسطه از شیخ طوسی، اجازه داشته و خواجه نصیر طوسی و مرتضی بن داعی حسنی رازی - صاحب تبصرة العوام - از مشایخ او بوده‌اند. (ریاض العلماء، ج ۴، ص ۳۷۰).

عمادالدین کاتب صفهانی در کتابش بارها از ابو الرضا راوندی نام برده و در یک‌جا به تفصیل، شرح حال، اشعار و جریان ملاقاتش را با وی ذکر کرده است. (صادقی، ۱۳۸۶ ه.ش، ص ۱۵۷).

وی عبارتی طولانی را به تجلیل و تعریف ابو الرضا اختصاص داده، («الشریف الذسب، المنیف الادب، الکریم ال سلف، العالم الکامل، قبله القبول و عقله العقول، ذو الابهة و الجمال...» (خریده القصر، ص ۶۷)) می نویسد:

«تالیفات او در علوم گوناگون و زیادی است، واعظی است که مردم او را قبول دارند. در سال ۵۳۳، که به کاشان حمله شد، من و برادرم همراه پدرم در کاشان بودیم و در طول یک سال اقامت، به مدرسه «مجدیه» رفت و آمد داشتیم. می دیدم که سید ابو الرضا در مدرسه مردم را موعظه می کرد و مردم به حضور او می رسیدند و بهره می بردند.» (همان، ص ۶۷).

همچنین ابن شهر آشوب، که شاگرد و راوی ابو الرضا راوندی بود، می نویسد:

«احادیث کتب اصحاب ما به طریق افرادی همچون ابو الرضا به شیخ طوسی می رسد.»

(مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳).

ابو الرجاء قمی، نویسنده تاریخ سلجوقیان، می نویسد:

«امیر سید امام ضیاء الدین ابو الرضا، که جهان به فضل و علم او جنت عدن بود...» (تاریخ

الوزراء، ص ۵۳).

بر اساس گزارش عماد الدین کاتب اصفهانی، ابو الرضا راوندی در سال ۵۲۲، قریب یک

سال در اصفهان سکونت داشت. (خریده القصر، ص ۷۰).

زمان وفات ابو الرضا روشن نیست و محدث ارموی سخن سید علیخان و آقابزرگ که

وفات او را به سال ۵۴۸ دانسته اند، نادرست می داند. (دیوان، ص ۲۷ (مقدمه)؛ صادقی،

مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، صفحه: ۱۵۹، شیعه شناسی، قم - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش).

۲-۳- قطب الدین راوندی

ابو الحسین سعید بن عبد الله بن حسین بن هبة الله، مشهور به «قطب الدین»، (عنوان دیگر

وی «سعید بن هبة الله») است که در برخی کتابها آمده و مختصر شده نسب اوست. وی عالم

به فقه و تفسیر و کلام و حدیث و تاریخ بود. از زمان ولادت و تاریخ زندگی او، اطلاع چندانی در دست نیست و آگاهی‌هایی که داریم از لابه‌لای آثار متعدد اویند.

ابن حجر عسقلانی از او با عنوان سعید بن هبه‌الله بن حسن بن عیسی یاد کرده، می‌نویسد: «ابن بابویه در تاریخ ری گفته است: وی در همه‌ی علوم، صاحب فضل بود و تألیفات متنوع و فراوانی دارد.» (لسان‌المیزان، ج ۳، ص ۴۸. مراد از «ابن بابویه»، منتجب‌الدین است.)

کتاب‌هایی در موضوع قرآن، تف سیر، فقه، فدا سفه، حدیث، دعا، ادبیات و تاریخ، علما و رجال‌نویسان شیعه و سنی از وی با عظمت یاد کرده‌اند.

شواهد حاکی از آن هستند که قطب‌الدین در شهر ری ساکن بوده است؛ (مجله‌تراثنا، ش ۳۹، ۱۴۱۵ ق، ص ۲۵۶ «نهج‌البلاغه عبر القرون»). زیرا منتجب‌الدین در تاریخ ری، از او یاد می‌کند.

قطب‌الدین راوندی در سال ۵۷۳ رحلت کرد (بحار الانوار، ج ۱۰۵، ص ۲۳۵). و در کنار بارگاه حضرت معصومه علیه‌السلام دفن شد. امروزه سنگ قبر وی مقابل ایوان آئینه در صحن اصلی بارگاه خودنمایی می‌کند.

آن‌گونه که از برخی اسناد روایی قطب‌الدین استفاده می‌شود، وی سفرهایی به اصفهان، همدان و خراسان برای سماع حدیث داشته است.

۳- تأثیرات و اقدامات رجال راوندی در منطقه کاشان

۳-۱- اقدامات فرهنگی

اول روایت میراث حدیثی گذشتگان و انتقال آن به آیندگان و بخشی دیگر از خدمات سید ابوالرضا راوندی، شرح و تصحیح میراث حدیثی است؛ نسخه‌هایی از آثار که شیعه با اجازه سید ابوالرضا راوندی موجود است که او این آثار را در سفری که در سال ۵۱۱ هجری به بغداد داشته، دریافت کرده است. در رهگذر این اقدام وی کاشان را به محل آمدو شد محدثان سایر حوزه‌های حدیثی، برای تصحیح کتاب‌های حدیثی مهم شیعه همچون أمالی سید مرتضی، شرح نهج‌البلاغه، خصائص الأئمه و تلخیص بیان سید رضی، رساله‌اهوازیه، کتاب من لإیحضر الفقیه و أمالی شیخ صدوق تبدیل کرده است.

سید ضیاء‌الدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله از نوادگان امام حسن(ع) تأثیرگذارترین محدثان در قرن ششم هجری در حوزه حدیثی کاشان است. او در رأس خاندانی قرار دارد که نسب ایشان به محمد سلیق از سادات حسنی می‌رسد (ابن‌عنه، ۱۴۱۷ق: ص ۱۶۶). خاندان مادری‌اش نیز اهل علم بوده‌اند و منتجب‌الدین، شیخ حسین بن احمد بن حسین، جد مادری سید ابوالرضا، را با اوصاف «فقیه، صالح و محدث» ستوده است (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ش ۱۰۱، ص ۵۲). نخستین فرد از اجداد سید ابوالرضا راوندی که به راوند آمد، جد چهارم وی عبیدالله، فقیه، محدث و شاعر بود (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۲). دربارعلی بن عبیدالله الحسینی، پدر سید ابوالرضا، بنا بر اطاعت شجره‌نامه‌های قدیمی و برخی اجازات او از اساتید سید ابوالرضا بوده و ابوالرضا روایاتی را از او اخذ کرده است (همان: ج ۱، ۲۵۱).

بسیاری از عالمان عصر سید ابوالرضا، او را به بزرگی یاد کرده‌اند؛ کاتب اصفهانی بیان می‌کند در خرد سالی که به علت یک گرفتاری به همراه برادر کوچکترش به کاشان رفته و در آنجا تحت تکفل یکی از دوستان پدرش بود، مدت ۱ سال به مدرسه مجدیسه رفت و آمد داشته است و سید ابوالرضا در این مدرسه به موعظه مردم مشغول بود و اشخاص از هر طرف، پای منبر او گرد می‌آمدند. (عمادالدین کاتب، ۱۳۷۵ق: ج ۹، ص ۶۸-۶۷).

سمعانی از مشاهیر اهل سنت ذیل عنوان «الفاشانی» می‌نویسد: «در کاشان با گروهی از علما و فض دیدار کردم که از جمله ایشان سید فضل، ابوالرضا فضل‌الله بن علی حسینی [عنوان حسنی صحیح است زیرا سید ابوالرضا از نوادگان امام حسن(ع) است] بود. احادیث و قطعاتی از اشعار ایشان را یادداشت کردم.

تاریخ وفات وی باید در روز عرفه بین سالهای ۵۷۱ تا ۵۷۴ مقبره سید ابوالرضا در زاویه جنوبی قبرستان «پنجه شاه»

۳-۲- روایت میراث حدیثی

سید ابوالرضا راوندی برای روایت و انتقال این میراث سفرهای متعددی داشته و اسامی مکان‌هایی که سید ابوالرضا برای ام و سماع احادیث عزیمت کرده، بدین شرح است: قم،

اصفهان، ری، نیشابور، بیهق، بغداد، مکه، مدینه، کربلا، نجف، خراسان، قومس (دامغان)، قزوین، آبه (آوه)، ساوه، أبهر، حلّه، فیحاء، زنجان، شیراز و ... (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۷۶-۲۷۵).

۳-۳- ادعیه السر

این کتاب دربردارنده ۳۳ دعا و حدیث قدسی هست که در شب معراج بر رسول خدا (ص) وارد شده و هرکدام برای اهداف خاصی نگارش شده است. در آغاز این کتاب، خواص ممتاز و در مورد دعاها در بخشش گناهان ذکر شده و تأکید گردیده است. (حسنی راوندی، ۱۳۸۰: دفتر چهارم، ص ۱۹۵-۱۹۶)

۳-۴- ادعیه الوسائل الی المسائل

از دعاهایی که سید ابوالرضا راوندی در انتقال آن نقش داشته است، مجموعه روایاتی مروی از امام رضا (ع) موسوم به ادعیه الوسائل الی المسائل است که شامل ده مناجات است. استخاره، طلب عفو، سفر، طلب رزق، استعاذه، طلب توبه، طلب حج، طلب رفع ظلم ظالم، شکر خداوند و طلب حوائج است. (طبرسی، ۱۴۳۹ق: ص ۴۰-۴۱).

از سوی دیگر علامه مرعشی، عزالدین علی فرزند سید ابوالرضا راوندی را صاحب رساله‌ای با عنوان الوسائل الی المسائل از امام رضا (ع) می‌داند که از مکتوبات قرن ۶ در ۲۶ صفحه و نسخه‌های از آن در کتابخانه نصیری امینی موجود است. بنا بر گفته علامه مرعشی، این رساله مشتمل بر دعاء السر، ظاهراً متفاوت با کتاب سید ابوالرضا در این موضوع است. (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۴).

۳-۵- الأربعین فی الاحادیث

ابن طاووس در کتاب الیقین خود، نام آن را سنه الأربعین فی سنه الأربعین بیان کرده است که وی همچنین به این کتاب دسترس داشته است و دو مورد از آن نقل کرده: مورد اول تسبیح علی (ع) توسط پیامبر (ص) به اوصاف «سید المسلمین و امام المتقین و قائد الغر»

المحجلین و یعسوب الدین و امیر المؤمنین و الصدیق اکبر و الفاروق الأعظم و قسیم الجنای و النار» است. (ابن طاووس، ۱۴۱۳ق: ص ۴۶۷).

مورد دوم نیز حدیثی منقول از ابوذر صحابی پیامبر ه است که در این از قول رسول الله (ص) نقل می کند که علی (ع) اولین فردی است که در روز قیامت با پیامبر م صافحه می کند و صدیق اکبر و فاروق اعظم است که میان حق و باطل فرق می گذارد و پیشوای مؤمنان است در حالی که اموال دنیایی، سار کافران است. (همان: ۵۱۱). این تألیف در اجازه محمد بن الحسن بن محمد بن ابی الرضا العلوی که برای برادرزاده خود محمد بن جمال للیدین احمد بن ابی المعالی العلوی (م ۷۶۹) نوشته، یاد شده است.

۳-۶- دعای جوشن صغیر

این دعا سرّی از اسرار خداوند است که به رسول الله (ص) تعلیم داده شده است و مختص دادرسی به مظلومان ه است که به جوشن معروف شده است. این دعا برای امان از آفات و عقوبات دنیوی و بهروری از نعمت های اخروی ه است که تعلیم این تنها به اهل آن جایز و بر مشرکان حرام است بخاطر اینکه کسی با این دعا خدا را نمی خواند مگر اینکه حاجت او برآورده خواهد شد. روایت هایی در اهمیت این دعا و سرعت اجابت آن ذکر شده است. (طبرسی، ۱۴۳۹ق: ص ۵۱). موضوع این دعا شکرگزاری و نوزده بند دارد که در هر بند امام (ع)، نخست نعمتی از نعمت های الهی را بر می شمرد و در پایان هر بند، دعاکننده از خدا می خواهد که بر پیامبر (ص) و اهل بیت او صلوات فرستاده و شخص را از شکرگزاران و یادکنندگان نعمت های الهی قرار دهد. هرچند دعای جوشن دارای اسنادی متعدد است لیکن طبرسی در کنوز النجاح اولین سند آن را این گونه ذکر می کند: سید ابوالرضا راوندی می گوید: به من خبر داد سید ابو تراب ح سنی از ابو عبدالله جعفر بن محمد دوری سنی از ابو عبدالله الدؤلّی از هارون بن موسی تلعبیری که گفت: حدیث کرد مرا ابوالعباس بن علی بن ابراهیم از عماره بن زید عقیلی از عبدالله بن عه از امام صادق (ع) از اجداد طاهربینش از حضرت

علی(ع) که خطاب به فرزندش امام حسین(ع) به نقل از رسول خدا (ص) فرمودند: ... (همان جا) [۷]

۳-۷- خبر مولانا القائم(عج)

از کتب قرن ششم که نسخه‌های از آن در ۱۰ صفحه در کتابخانه‌ی میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است (مرع شی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۶۶). ابن طاووس حدیثی طولانی درباره‌ی تعداد یاران امام زمان(عج) و تعیین جایگاه ایشان، از کتاب یعقوب بن نعیم بن قرقاره، از نسخه‌ای ارزشمند ذکر می‌کند که روی آن نسخه، خط سید فضل الله راوندی بوده است. (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ص ۳۷۵).

۳-۸- الروایة النیروزیه

علامه مجله سی روایتی در باب نوروز از برخی کتاب‌های معتبر نقل می‌کند که سید ابوالرضا راوندی آن را با سند خود از معلی بن خنیس از امام صادق(ع) روایت می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۶، ص ۹۱). در این روایت، مواردی متعدد از ویژگی‌های منحصر به فرد عید نوروز ذکر شده است.

۳-۹- قنوت موالینا الائمه المعصومین

از کتب قرن ششم که نسخه‌ای از آن در ۴۰ صفحه در کتابخانه میرزا فخرالدین نصیری امینی موجود است (مرع شی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۶۶) به نظر می‌رسد که محتوای این کتاب، همان قنوتاتی است که سید بن طاووس در مهج الدعوات از اصلی که آن را یافته، نقل می‌کند (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ص ۴۶).

۳-۱۰- مناجات الهیات

از مناجات‌های زیبا و پر شور امیرالمؤمنین که علاوه بر زیبایی نثر، حاوی مضامین والای عرفانی و اخلاقی است، مناجات الهیات است. آیت الله مرع شی این مناجات را «کبریت

أحمر» و «حجج سر مکرم» توصیف کرده است (مرعشی نجفی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۲۴۰). و معتقد است که در سند این مناجات افرادی موثق و مورد اطمینان هستند. (همان: ج ۱، ۲۷۶)

استاد مشکات درباره این مناجات می‌گویند: «پس از صحیفه‌ی سجادیه و معدودی ادعیه که در بسیاری از کتب حدیث به روایات صحیحه نقل شده، این مناجات معتبرتر است و حتی این مناجات از بیشتر دعاهایی که ابن طاووس و علامه مجل‌سی و شیخ عباس قمی در کتاب‌های دعا خود ایراد کرده‌اند، معتبر است (مرزبانی، ۱۳۷۸: مقدمه، ص ۴۷) راوی اصلی این مناجات، سید ابوالرضا راوندی است.

۳-۱۱- الحاشیه علی أمالی المرتضی

افندی گفته که سید ابوالرضا تعلیقات زیادی بر کتاب غرر و درر دارد که بنده این‌ها را با خط خودش، بر پشت نسخه‌هایی که برای شاگردش سید ناصرالدین ابوالمعالی محمد اجازه داده، دیده‌ام (افندی، ۱۴۳۱ق: ج ۴، ص ۳۷۱).

۳-۱-۱۲- شرح نهج البلاغه

یکی از مهم‌ترین آثار سید ابوالرضا راوندی، شرح نهج‌البلاغه امیرالمؤمنین است. این شرح غیر از شرح نهج‌البلاغه قطب‌الدین راوندی بوده و مجلسی در بحارالانوار هر دو راوندی را صاحب شرح نهج‌البلاغه می‌داند. (مجل‌سی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۰۷، ص ۱۶۸). سید عبدالعزیز طباطبایی معتقد است که سید ابوالرضا را می‌توان اولین شرح دهنده نهج‌البلاغه قلمداد کرد؛ زیرا افراد دیگر که در زمره اولین شارحان نهج‌البلاغه معرفی شده‌اند بعدها شرح خود را تکمیل کرده‌اند؛ برای نمونه قطب‌الدین راوندی شرح خود را در آخر شعبان ۵۵۶ هجری به اتمام رسانده در حالی که علی بن ابوالقاسم زید بیهقی (ابن فندق) که به عنوان اولین شارح نهج‌البلاغه معرفی شده، شرح خود را در سال ۵۵۲ هجری به پایان رسانده است. در این میان، سید ابوالرضا در سفر علمی خود در نوجوانی از کاشان به بغداد و برای طلب علم و دانش، به نسخه اصلی نهج‌البلاغه به خط سید رضی، دست یافته و در ربیع اول سال ۵۱۱ هجری برای خود استنساخ

کرده، تعلیقاتی بر آن نگاشته و کلمات غریب آن را تفسیر و جملات مبهم آن را توضیح داده است.

برخی از بزرگان به نسخه شرح نهج البلاغه راوندی به خط خود مؤلف دسترسی داشته اند که محمد نازویه قمی از جمله افرادی است که در کاشان حضور یافته و نسخه نهج البلاغه سید ابوالرضا را از طریق سماع از او دریافت کرده است. توضیح مطلب این که نسخه بسیار قدیمی از نهج البلاغه در کتابخانه «المتحف العراقی» به خط محمد بن حسن بن نازویه قمی به تاریخ ۵۵۶ هجری موجود است (موسوی بروجردی، ۱۴۳۳ق: ص ۷۹).

۳-۲- گسترش تشیع

آثار قلمی، کتب علمی و رسائل نفیس سید ابوالرضا که می توان از آن به عنوان میراث سلف برای خلف یاد کرد، فراوان هستند و از بایسته های گسترش تشیع محسوب می شود.

برخی از این آثار عبارت اند: ۱. ادعیه السر؛ ۲. الأربعین فی الأحادیث؛ ۳. ترجمه العلوی للطب الرضوی؛ ۴. الحاشیه علی أمالی المرتضی؛ ۵. شرح نهج البلاغه؛ ۶. الکافی فی التفسیر؛ ۷. النوادر؛ ۸. خبر مولانا القائم ۹. عیح الحماسه ذات الحواشی؛ ۱۰. الموجز الکافی فی علمی العروض و القوافی؛ ۱۱. المدائح المجدیة؛ ۱۲. دیوان راوندی.

متأسفانه این دیوان موجود هم به طور کامل همه قصاید را در بر ندارد و برخی از قصاید هم به صورت کامل، در آن درج نشده است. دیوان موجود ۱۸۶۰ بیت دارد که توسط محدث، سید جلال الدین أرموی، تحقیق و تصحیح شد و در سال ۱۳۴۴ به چاپ رسید. (به نقل از علی رضا صحیحی، اغراض شعری و آرایه های بلاغی در دیوان ابوالرضا راوندی، ۱۳۹۲، ص ۲-۳).

افندی نسخه ای کهن از منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه قطب راوندی را در استرآباد دیده که به نوشته وی به احتمال در زمان حیات مؤلف (قرن ششم) تألیف شده بوده است. (افندی، همان، ج ۲، ص ۴۲۱ و جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ص ۸۰۹).

گفتنی است که برخی از آثار مؤلفان شیعی ایرانی، در دوران پیش از صفوی به مناطق عربی رفته اند. افندی نسخه‌ای کهن از آیات الاحکام قطب راوندی را در بحرین دیده است. (همان، ج ۲، ص ۴۲۴ و جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۲، ص ۸۰۹)

مؤلف در اینجا به روایتی از کتاب الخرائج راوندی استناد کرده - و البته قید می‌کند «اگر در ست با شد» و ما نیز تأکید می‌کنیم «اگر در ست با شد» - در این روایت از قول امام علی علیه السلام آمده است که مردم اصفهان پنج خصلت را ندارند: سخاوت، شجاعت، امانت، غیرت، و دوستی اهل بیت علیهم السلام. می‌دانیم که از قرن اول تا چهارم، به دلیل نفوذ تبلیغات امویان و سپس عباسیان و نیز رسوخ عالمان بدطینت در اصفهان، نوعی تسنن افراطی بر این مردم غلب بود؛ گرچه شیعیانی نیز در آن زندگی می‌کرده‌اند. قطب للمدین خطاب به مردم اصفهان می‌گوید: کجا ست سخاوت و مواسات میان ما مردم؛ در حالی که فقرا و مساکین از گرسنگی در حال تلف شدن هستند. شجاعت و غیرت شما کجاست، در حالی که از اطراف و اکناف بلاد، زنان به ا سارت در می‌آیند، ناموس مردم از میان می‌رود و ما مانند قاعدین برجای خود نشستیم. اگر این تشیع و ایمان است که وای بر حال شما: قُلْ بِسْمَا یَاْمُرُکُمْ بِهٖ اِیْمَانُکُمْ اِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِیْنَ (بقره، ۹۳ و جعفریان، ۱۳۷۹ ه.ش، ج ۳، ص ۱۳۲۲).

۳-۳- ادبیات

کرسی‌های شعر و شاعری و مدیحه سرایی از دیگر اقدامات خاندان و رجال راوندی محسوب می‌شود. از آنجا که ایران از قرن سوم به بعد، زیر سیطره سلسله‌های پادشاهی ایرانی چون طاهریان، صفاریان، ساسانیان و... با نظارت خلفای عباسی اداره شده است. در قرن چهارم، حکومت آل بویه در ایران ظهور کرد و فرصتی به وجود آمد تا مکتب تشیع انتشاع یابد؛ از این رو، قرن چهارم دوره‌ی شکوفایی مکتب تشیع به خصوص ادبیات غنی عربی معرفی شده است. زمینه‌ساز این شکوفایی، برپایی چهار دولت شیعه مذهب [آل بویه در ایران و عراق، فاطمیون در مصر، حمدانیون در سوریه و زیدیون در یمن] است. در این روزگار

است که شخصیت‌های بزرگی همچون شیخ صدوق، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی و برتر از همه، شیخ مفید طلوع کردند؛ اما دیری نپایید که حکومت آل‌بویه در قرن پنجم منقرض شد و حکومت متحجر عقل ستیز سلجوقیان بر سر کار آمد. حکومتی که جور و ستم بر شیعیان را وجهه همت خود ساخت. شاهد این امر، ویران شدن قم، کاشان، راوند و کشتار شیعیان این مناطق به دست سلجوقیان است. (النوادر، ص ۳۹-۴۲)

۳-۴- کارکرد فرهنگی مدارس

راوندی، مؤلف راحة الصدور، که از مورخان آن عصر به شمار می‌رود، کاشان را، منشأ فضلاء و هنرمندان دانسته، و اغلب وزیران و دبیران و مستوفیان... را از تربیت‌یافتگان کاشان دانسته است. (راحة الصدور، صفحه ۵۱ و موحد ابطیحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۵۴) در این بخش به تعدادی از مدارس علمیه دائر در منطقه کاشان اشاره شده و به بخشی از فعالیت‌های علمی آن اشاره خواهیم کرد:

۴- اقدامات عمرانی و اجتماعی

ساخت مدارس، مساجد، بیمارستان‌ها، پل‌ها، کاروان‌سراها و خانقاه‌ها از اقدامات عمرانی و اجتماعی خاندان راوندی محسوب می‌گردد. اشعارس منسوب به برخی از رجال راوندی موبد این مدعاست. برای نمونه شاعر در این ابیات به گوشه ای از این اقدامات اشاره می‌کند:

محقق توانا، علی دوانی از عالم جلیل القدر، سید علیخان مدنی، صاحب کتاب الدرجات الرفیعة نقل می‌کند «مدرسه بزرگ مجدیه در روی زمین نظیر نداشته است. بسیاری از علما و فضلا و زهاد و حجاج در آن سکونت داشته‌اند. (الدرجات الرفیعة، ص ۵۰۶).

سید ابوالرضا از مجدالدین به عنوان «ناصر اسلام» یاد کرده است:

البته سید ابوالرضا در دیوان خود از «مجدالدین» دیگری هم یاد کرده و از «مجدالدین، ابوالحسن، محمد بن علی بن موسی» شرح حال دقیقی در دست نیست. شاعر ابیات زیر را در مدح او سروده است:

در قصیده دیگری، از تعبیر «هو الدهر، هو البحر، هو البدر، هو الليث، هو الغي» است و هو الأرض» در مدح او استفاده کرده و قصیده مزبور را با این بیت به پایان می‌رساند:

اینک به پاره‌ای از اقدامات عمرانی رجال راوندی در منطقه کاشان می‌پردازیم:

۴-۱- مدرسه صفویه

صفی‌الدین، أبو طاهر، اسماعیل، ملقب به عزیز الحضرت کاشی، از دستیاران خواجه نظام الملک طوسی، عمارات متعددی در شهرهای گوناگون انجام داد، و از جمله، مدرسه‌ای در کاشان احداث کرد (تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۴۰، و نیز رجوع شود به لغتنامه دهخدا، جلد ۳ صفحه ۸۹۰. در ذیل عنوان أبو نصر، و کتاب نقض، صفحه ۷۳۵).

این مدرسه، محل تدریس و فعالیت علمی سید أبو الرضا (فضل الله) راوندی بوده، و گفته می‌شود که این مدرسه، از همه مدارس کاشان بزرگتر و عالی‌تر بوده است (سیمای کاشان، صفحه ۱۰۰ و موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۱)

علامه مجل سی، در کتاب اجازات بحار، از این عالم بزرگ یاد نموده، و نامه ضیاء الدین فضل الله راوندی به او را (از کاشان به اصفهان) ذکر کرده، که مشتمل بر دو شعر بوده است (بحار الأنوار، جلد ۱۰۷، صفحه ۲۲):

۴-۲- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی، أبو الحسن، عز الدین، علی بن فضل الله راوندی کاشانی، که عالمی فقیه و مورد وثوق، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است، مدرسه‌ای بی‌نظیر در کاشان بنا نهاده است (ریحانة الأدب، جلد ۴، صفحه ۱۱ و موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۳).

۴-۳- مدرسه خان

مدرسه‌ای بوده که بنای آن، به دست سید لطیف خان (از بستگان سید أبو الرضا راوندی) صورت گرفته و نوشته‌اند که در آن مدرسه، غیاث الدین جمشید کاشانی، به درس و بحث

علمی اشتغال داشته است. (سیمای کاشان، صفحه ۱۰۳، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۹۴)

۴-۴- مدرسه علی بن فضل الله

فرزند دانشمند و بزرگوار سید أبو الرضا فضل الله راوندی کاشانی، أبو الحسن، عز الدین، علی بن فضل الله راوندی کاشانی، که عالمی فقیه و مورد وثوق، و شاعری ادیب بوده، و با شیخ منتجب الدین رازی متوفای سال ۵۸۵ هجری معاصر بوده، و تفسیری به نام تفسیر عز الدین نوشته است، مدرسه‌ای بی نظیر در کاشان بنا نهاده است (ریحانه الأدب، جلد ۴، صفحه ۱۱ و موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۲).

۴-۵- مدرسه مجدیّه

مدرسه‌ای است که به مجد الدین عبد الله (عبید الله) فضل بن محمود کاشانی (متوفای ۵۳۵ قمری) نسبت داده شده است، مدرسه‌ای وسیع بوده، و تولیت و تدریس این مدرسه با شکوه، بر عهده سید أبو الرضا فضل الله راوندی بوده است (تاریخ مدارس ایران، صفحه ۱۴۰، به نقل از آثار تاریخی شهرستانهای کاشان و نطنز، صفحه ۱۰۸، و سیمای کاشان، صفحه ۱۰۲، به نقل از تاریخ اجتماعی کاشان، صفحه ۲۹۶ و موحد ابطحی، ۱۴۱۸ ه.ق، ج ۲، ص ۵۷۱).

نتیجه گیری:

حکومت سلاجقه با اقدامات پسنیدیه و به کارگیری وزرای لایق و اقدامات اصلاحی بر کالبد و ساختار نظام مملکتی و همچنین اصلاح رابطه خویش با مردم و تقویت ارتباط وزرا با حکومت مرکزی توانستند به موفقیت‌های متعددی در عصره کلان مدیریتی دست یابند. از عوامل موثر بر این روند حضور حاکمان و وزرای لایق در عصره حکمرانی بود. رجال راوندی در منطقه کهن کاشان با اقدامات و فعالیت‌های گوناگونی بایسته‌های رشد فرهنگی، اجتماعی و عمرانی کاشان را فراهم آوردند. از جمله رجال مشهور خاندان راوندی میتوان به قطب الدین

راوندی، سید ابوالرضا راوندی و فرزندان او و سید فضل الله راوندی اشاره کرد. اقدامات ارزشمند و فعالیت های کارآمد رجال راوندی موجب شد منطقه کاشان در دوران سلجوقیان به رشد و شکوفایی دست یابد. از جمله اقدامات مهم راوندیان در عرصه فرهنگ میتوان به روایت میراث حدیثی، شرح و تصحیح میراث روایی ائمه اطهار علیهم السلام، گسترش عقاید امامیه و ادبیات اشاره کرد. همچنین در عرصه اقدامات عمرانی و اجتماعی رجال راوندی نقش بسزایی داشتند. از اقدامات اجتماعی ایشان می توان به ساخت مدارس علمیه در منطقه کاشان اشاره کرد. مدرسی با نام های مدرسه صفویه، مدرسه خان، مدرسه علی بن فضل الله، مدرسه مجدیه، مدرسه علی بن فضل الله از ابنیه ای است که رجال راوندی در ساخت و ایجاد آنها نقش مهمی ایفا کردند.

منابع

۱. ابن اثیر، عزالدین ابی الحسن، بیتا، التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات. قاهره: دارالکتب الحدیثه.
۲. ابن اخوه، محمد بن محمد، ۱۳۶۵، معالم القریه، آیین شهرداری، ترجمه جعفر شعار. تهران: علمی و فرهنگی.
۳. ابن البیسی، یحیی بن محمد بن علی الجعفری الرغدی. ۱۹۰۲. مختصر سلجوقنامه. به اهتمام م. ه. هوتسما. لیدن.
۴. ابوالرجاء قمی، نجم الدین. ۱۳۶۳. تاریخ الوزراء. به کوشش محمد تقی دانش پژوه. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۵. ابن العبری، غریغوریوس ابوالفرج اهرن، ۱۳۶۴، مختصر الدول. مترجمان محمدعلی تاج پور- حشمت الله ریاضی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۶. ابن الفوطی، کمال الدین ابوالفضل، ۱۹۶۵-۱۹۶۲، مجمع الاداب فی معجم القاب. ج ۴. دمشق.
۷. ابن الوردی، ابوحفص زین الدین عمر، ۱۳۸۹ ق، تمه المختصر فی اخبار البشر یا تاریخ ابن وردی، ۲ جلد، نجف: المطبعه الحیدریه،

۸. ابن بطوطه، محمد ابن عبدالله، ۱۳۷۶، سفرنامه، ج ۱، ترجمه محمدعلی موحد. تهران: طرح نو.
۹. ابن تغریبندی، جلا الدین ابوالمحاسن، ۱۳۷۵ق، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره. ج ۵. قاهره: دار الکتبه المصریه.
۱۰. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن، ۱۹۹۲ / ۱۴۲۱، المنتظم فی تاریخ الامم و الملوک، ج ۱۵ و ۱۶. بیروت: دار الکتب العلمیه.
۱۱. ابن جوزی، الشیخ الامام ابوالفرج عبدالرحمان، ۱۳۵۷-۱۳۵۹ق، المنتظم فی تواریخ الملوک والامم. ج ۸ - ۱۰. حیدرآباد دکن دائره المعارف العثمانیه.
۱۲. ابن خلدون، ابوزید عبدالرحمن، ۱۹۷۹، العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الأكبر، ج ۵ و ۴. بیروت.
۱۳. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۶۳، تاریخ ابن خلدون (العبر). ج ۲ و ۴، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدین، ۱۹۷۸، وفات الأعیان و انباء ابناء الزمان. ج ۱ تا ۷. بیروت.
۱۵. ابن خلکان، شمس الدین احمد، ۱۳۸۱، منظر الانسان (ترجمه و فیات الاعیان). ج ۱ و ۲ و ۳. ترجمه احمد بن محمد سنجرى تصحیح فاطمه مدرسی. ارومیه: دانشگاه ارومیه.
۱۶. ابن طقطقی، محمد بن طباطبا، ۱۳۶۷، تاریخ فخری در آداب ملکداری و دولت های اسلامی، مترجم محمد وحید گلپایگانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۷. ابن عبری، غریغوریوس ابوالفرج، ۱۳۶۴، تاریخ مختصر الدول، ترجمه محمد علی تاج پور و حشمت الله ریاضی، تهران: اطلاعات.
۱۸. ابن عساکر، علی بن حسن، ۱۴۱۵، تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۴. بیروت: دار الفکر.
۱۹. ابن عمرانی، محمد بن علی، ۲۰۰۱ / ۱۴۲۱، الانباء فی تاریخ الخلفاء، تحقیق قاسم سامرائی. قاهره: دار لآفاق العربیه.
۲۰. ابن قالانسی، ابوسعید حمزه بن اسد التمیمی، ۱۹۰۸، ذیل التاریخ دمشق، بیروت: نشر آمد روز.

۲۱. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر الدمشقی، ۱۳۵۱ ق، البدايه والنهایه و معه نهايه البدايه والنهایه فی الفتن والملاحم، ج ۱۲. مصر.
۲۲. ابن واصل، جمال الدین محمد بن سالم، بیتا، مفروج الکروب فی الاخبار بنی ایوب، تصحیح جمال الدین الشیال مصر.
۲۳. ابن اثیر، عزالدین علی. ۱۳۳۸. کامل: تاریخ بزرگ اسلام و ایران. ترجمه علی هاشمی حائری و ابوالقاسم حالت. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی.
۲۴. ابن اثیر، عزالدین علی. ۱۳۷۱، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران ج ۲۲ تا ۲۵. ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت تهران: علمی.
۲۵. ابن الأزرار، احمد بن یوسف الفارقی. ۱۹۵۹، تاریخ میافارقین و آمد. تحقیق بدوی عبدالطیف عوض، قاهره.
۲۶. ابن عمرانی، محمد بن علی بن محمد. ۱۳۶۲، الانباء فی تاریخ الخلفاء، تصحیح تقی بیوش، مشهد: انتشارات دفتر نشر کتاب.
۲۷. ابوالفداء، الملك المویذ عمادالدین اسماعیل، بیتا، المختصر فی الاخبار البشر. ج ۲ و ۳. مصر.
۲۸. ابوشامه، شهاب الدین عبدالرحمن بن اسماعیل، ۱۹۵۶، الروضتین فی اخبار الدولتین، تصحیح محمد حلمی، قاهره.
۲۹. اصفهانی، علی بن ابی حفص، ۱۳۸۲، تحفه الملوك، تصحیح علی اکبر احمدی دارانی. تهران: میراث مکتوب.
۳۰. اصفهانی، عمادالدین محمد، ۲۰۰۴ / ۱۴۲۵، تاریخ دولت آل سلجوق، تصحیح یحیی مراد. بیروت: دار العلمیه.
۳۱. افضل الدین کرمانی، احمد بن حامد، ۱۳۸۶، سلجوقیان و غز در کرمان، تحریر محمد بن ابراهیم خبیصی، تصحیح محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
۳۲. آقابزرگ تهرانی، محسن، ۱۴۰۳ق، الذریعه إلى تصانیف الشیعه، ج ۳، بیروت: دارالأضواء.
- ابن رسته، احمد بن عمر، ۱۸۹۲م، الأعلاق النفیسه، بیروت: دار صادر.
۳۳. آقسرایبی، محمد، ۱۳۶۲، تاریخ سلاجقه با مسامره الاخبار و مسایره الاخبار. تصحیح عثمان توران. تهران: انتشارات اساطیر.

۳۴. باسورث، ادموند کلیفورد. ۱۳۷۱، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران (۶۱۴ - ۳۹۰ق)». «تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، زیر نظر جی آ. بویل. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ص ۱۹۹ - ۹.
۳۵. بغدادی، بهاء‌الدین محمدین مؤید، ۱۳۸۵، التوسل الی التوسل به تصحیح احمد بهمنیار، تهران: اساطیر.
۳۶. بنداری اصفهانی، فتح بن علی بن محمد زبده النصره و نخبه العصره (تاریخ سلسله سلجوقی). ترجمه محمدحسین جلیلی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ، ۲۵۳۶.
۳۷. بویل، جی (گردآورنده)، ۱۳۷۹، تاریخ ایران، از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، ج ۵، ج ۳. پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه حسن انوشه، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۸. پورجوادی، نصرالله، ۱۳۷۴، عین القضاء و استادان او. تهران: اساطیر.
۳۹. جنید شیرازی، ابوالقاسم، ۱۳۲۸، شد الأزار فی حط الأوزار عن زوار المزار، تهران: مجلس.
۴۰. جوزجانی، منہاج السراج، ۱۳۶۳، طبقات ناصری: تاریخ ایران و اسلام. ۲ جلد در یک مجلد. تصحیح عید الحی حبیبی تهران: انتشارات دنیای کتاب.
۴۱. جوینی، عطا ملک بن محمد، تاریخ جهانگشای، ۳ جلد به تحقیق محمد قزوینی، تهران: انتشارات دنیای کتاب، ۱۳۸۵.
۴۲. حسن زاده، اسماعیل، زمستان ۱۳۸۵، «رویکردی متفاوت به رفتار سیاسی و اصلاحات ابوالقاسم درگزینی». فصلنامه فرهنگ، شور، ص ۹۰ - ۶۳.
۴۳. حسینی، صدرالدین ابوالحسن ناصر بن علی، ۱۳۸۰، زبده التواریخ، اخبار الامراء و الملوك السلجوقیه. ترجمه رمضان علی روح‌الهی، تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی.
۴۴. حسینی، علی بن ناصر، ۱۳۸۰، زبده التواریخ: اخبار امراء و پادشاهان سلجوقی، ترجمه رمضانعلی روح‌الهی، تهران: ایل شاهسون بغدادی.
۴۵. حموی بغدادی، یاقوت، ۱۳۸۳، معجم البلدان، ج ۱، ترجمه علیقتی منزوی، تهران: سازمان میراث فرهنگی.
۴۶. خوفی، احمد بن محمد، ۱۳۶۸، مجمل فصیحی، ۳ جلد تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. تهران: انتشارات اساطیر.
۴۷. خواند میر، قیاس‌الدین بن حمام‌الدین حسینی، ۱۳۸۰، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، چاپ چهارم، ج ۲، تهران: انتشارات خیام.

۴۸. خواندمیر، غیاث الدین، ۱۳۸۰، تاریخ حبیب السیر. ج ۲. تهران: خیام.
۴۹. دفتری، فرهاد، ۱۳۸۶، تاریخ و عقاید اسماعیلیه. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: فرزانه روز.
۵۰. دیار بکری، حسین بن محمد، ۱۲۸۳ ق، تاریخ الخمیس فی احوال انفس نفیس، ج ۲. قاهره.
۵۱. ذهبی، شمس‌الدین محمد، ۱۴۱۴ - ۱۴۱۵ ق، تاریخ الاسلام، ج ۳۳. بیروت: دار الکتب العربی.
۵۲. ذهبی، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن احمد بن عثمان، ۱۴۱۲ ه ق - ۱۹۹۱، تهذیب سیر الأعلام النبلاء، چاپ اول، خلاصه شده توسط: احمد فایز الحمصی، تحت نظر: شعیب الأرئووط. ناشر: مؤسسه الرسالہ.
۵۳. رازی، امین احمد، ۱۳۴۰، هفت اقلیم، ج ۲، به کوشش جواد فاضل. تهران: علمی.
۵۴. راوندی، ابوبکر نجم‌الدین محمد بن علی، ۱۳۶۴، راحة الصدور و آیه السرور فی تاریخ آل سلجوق، چاپ دوم. تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۵۵. راوندی، محمد بن علی، ۱۳۶۴، راحة الصدور و آید السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال، تهران: امیر کبیر.
۵۶. رستم وندی، تقی، ۱۳۸۸، اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۵۷. سبط بن الجوزی، ۱۳۷۰ ق/۱۹۵۱ م، مرآة الزمان فی تاریخ الاعیان، جلد ۱۱ و ۱۲. حیدرآباد: مطبعة المعارف العثمانیة.
۵۸. سبکی، تاج‌الدین عبدالوهاب، بی تا، طبقات الشافعیة الکبری، ج ۳ و ۴. بیروت: دار احیاء الکتب العربیة.
۵۹. ستار زاده، ملیحه، ۱۳۹۵، سلجوقیان، تهران: انتشارات سمت.
۶۰. سجادی، جعفر، ۱۳۶۲، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۳، تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
۶۱. سینایی، مریم، بی تا، آریایی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مرکز پژوهشهای ایرانی و اسلامی.
۶۲. طلایی، حسن، ۱۳۹۸، باستان شناسی پیش از تاریخ بین‌النهرین، تهران: انتشارات سمت.
۶۳. فروزانی، سید ابوالقاسم، بی تا، سلجوقیان از آغاز تا فرجام، تهران: انتشارات سمت.